



صابر ابر با «امشب به صرف بورش

و خون» روی صحنه می‌رود

صابر ابر نمایش «امشب به صرف بورش و خون» را فروردین ۱۴۰۳ در پردیس تئاتر و موسیقی باغ کتاب روی صحنه می‌برد. صابر ابر پس از ۶ سال دوری از صحنه تئاتر قصد دارد نمایش «امشب به صرف بورش و خون» نوشته مهدی یزدانی خرم را از فروردین سال ۱۴۰۳ در بلک‌باکس پردیس تئاتر و موسیقی باغ کتاب روی صحنه ببرد. ابر این مونولوگ را که بر اساس رمان «نازنین» فتودور داستایوفسکی و ترجمه یلدا ذبیحی شکل گرفته است، در کنار فاطمه نقوی روی صحنه می‌برد.

پیش‌فروش بلیت «امشب به صرف بورش و خون» از چهارشنبه ۹ اسفند در سایت تیوال آغاز می‌شود. همزمان با آغاز پیش‌فروش بلیت، پوستر نمایش با طراحی فرهاد فروزی و عکاسی علی سبویی نیز منتشر می‌شود. دیگر عوامل نمایش «امشب به صرف بورش و خون» عبارتند از: مجری طرح: امیرسپهر تقی‌لو، طراح صحنه: صابر ابر، طراح لباس: نانا نصر، طراح گرافیک: فرهاد فروزی، طراح نور: نیلوفر نقیب‌ساداتی، محمدرضا رحمتی، طراح گریم: لعیا خرامان، طراح صدا: عرشیا باقری، مشاور رسانه‌ای: فریبرز دارابی، تبلیغات: استودیو این‌جا، تبلیغات مجازی: آریان امیرخان (قیلم نیوز)، گروه کارگردانی: الهام میرشفیعی، نیما سکوت، دستیار تهیه و تولید: محمدامین ساکی.

انجام تصویربرداری مستند

«کهنه رفیق» پس از ۲ سال

مستند سینمایی «کهنه رفیق» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی سام یکتا، پرداخته به زندگی حرفه‌ای هوشنگ حسینیی از روزنامه‌نگارهای هنری فعال و سرشناس دهه ۵۰ است که تأثیر زیادی در معرفی بسیاری از هنرمندان فعال در حوزه‌های مختلف از جمله سینما و موسیقی در جامعه هنری و مطبوعاتی ایران داشته است. در این فیلم مستند گفتگوهای با افراد سرشناس بسیاری در عرصه فرهنگ و هنر ایران در رشته‌های مختلف انجام گرفته است. همچنین تلاش شده نگاهی به وضعیت رابطه هنرمندان و رسانه‌ها شود و به تأثیر مطبوعات آن دهه در سیستم ستاره‌سازی در سینما و موسیقی ایران نیز پرداخته شده است. هم‌زمان با پایان فیلمبرداری «کهنه رفیق»، پوستر آن که توسط فرانسه نصیری طراحی شده است رونمایی و منتشر شد. در «کهنه رفیق» که بر اساس طرحی از سام یکتا شکل گرفته، شخصیت‌هایی همچون راجعتمدی، عباس یاری، عباس پهرانی، حبیب اسماعیلی، محمدمتوسلانی، منوچهر والی‌زاده، محمد صالح‌علا، شاپور منصف و جمع بسیاری از هنرمندان عرصه‌های مختلف هنری حضور دارند. پخش بین‌الملل این فیلم بر عهده سولماز اعتماد است که پس از آماده‌نمایش شدن و کسب مجوزهای لازم به نمایش درمی‌آید.

با استقبال مخاطبان

«شکافتن کام ماهی» تمدید شد

اجرای نمایش «شکافتن کام ماهی» به کارگردانی سمن قناد که در کارگاه نمایش مجموعه تئاتر شهر روی صحنه ساند تمديد شد. این اثر نمایشی دوشنبه ۷ اسفند عکاسان خواهد داشت «شکافتن کام ماهی» با بازی سمن قناد و حسین جاهد تهیه‌کنندگی مجید قناد ۲۵ اسفند هر شب ساعت ۱۹ در کارگاه‌نمایش مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود. این نمایش روایتی از جانش‌های یک زوج است که زندگی مشترکشان را در حال فروپاشی می‌بینند و تلاش می‌کنند از بحران عبور کنند. از دیگر عوامل این نمایش می‌توان به مجری طرح: آیدین کشاورز، مدیر هنری: حسام‌الدین فروتن، دستیار کارگردان و برنامه‌ریز: ستیا دلشاد، دستیار مدیر هنری: مهزاد بهرامی، آهنگساز: دانیال نوری‌مقدم، طراح نور: رضا خضریایی، طراح گریم: وحید شیرزاد، طراح ساخت جلوه‌های ویژه: مجید حیدری، دستیار: امیرمحمد زارعی، اپراتور نور: نریمان ماهد، مدیر صحنه: علی فراهانی، دستیار صحنه: آرش مرادفر و نگین صالح‌ریاحی، عکاس: حسام‌الدین فروتن، ساخت تیزر: علی ذوالفقاری و مهزاد بهرامی، تولید محتوا: مهدی تمهیدی، مسؤول هماهنگی: نادر بهرامی، روابط عمومی: گروه رعنا (روابط عمومی نمایش ایران) و مشاور رسانه: مظهر کشورز، محمدامین اشاره کرد.

حضرت امیر المومنین (ع):

بیچاره اسراف‌کارا چه دور است از اصلاح نفس و جبران کار خود.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحبانمناز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیرعامل: زفا شکیبایی
سرمدیبر: سیدعابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۷۲۸۲ تلفن: ۶۶۴۱۷۲۸۲ نمابر: ۶۶۴۱۷۲۸۲
پيام‌سان: vatanemroz.ir پست الکترونیک: info@vatanemroz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰



نگاهی به یک تحلیل رسانه‌ای که در جنگ غزه به دست آمد

مرگ مرداک در غزه



همه کشور و عنوان و ثروت را شکست دهند و ۶ روز بعدش هم به رسانه‌های آنها اختصاص داشت تا این پیروزی را تثبیت و طرف‌های مقابل‌شان را تا جای ممکن تحقیر کنند.

حالا اما نه ۵ روز که ۵ ماه هم می‌گذرد و دارد به ۶ ماه هم می‌رسد اما خبری از پیروزی صهیونیست‌ها نیست. حالا طرف مقابل صهیونیست‌ها لشکر بزرگ از کشورهای عرب نیستند که با تاک و توپ به میدان آمده باشند. طرف صهیونیست‌ها تعداد زیادی از مردم غزه و تعداد کمی از چریک‌های مدافع مظلومان از همه دنیا هستند که بدون سازماندهی به میدان آمده‌اند تا از مظلومان غزه دفاع کنند. طرفی که عددشان، تجهیزاتشان و خدم و حشم‌شان یک دهم میزان جنگ ۶ روزه هم نیست.

نظامیان صهیونیست‌ها بر تعدادتر، با سلاح‌های پیشرفته‌تر و بسیار بیشتر، همچنین با کلی برنامه و تاکتیک بیش از آن زمان به میدان آمدند تا با این نسبت، رکورد جنگ ۶ روزه‌شان را برزنند جنگی که بعد از حدود ۱۵۰ روز زمینگیرشان کرده است.

این وسط رسانه‌هایی که تحت امر مرداک نیستند یک سوال اساسی را مطرح کردند: اینکه در جنگ ۶ روزه صهیونیست‌ها یک بال دیگر برای بریدن و پیروزی خود داشتند که آن را باشکوه‌تر از همیشه نشان می‌داد و آن بال رسانه بود. اگر رسانه‌های حامی آنها در کنار بزرگ‌ترین، ۲ عنوان پرنفوذترین و قدرتمندترین را هم به صورت پیش‌فرض بدیهی داشته باشند، شکی نمی‌ماند که باید این جنگ ۴ یا ۵ روزه تمام می‌شد.

این رسانه‌ها معتقد بودند وقتی با یک دودوتا چهار تای ساده می‌شود این را اثبات کرد که بال نظامی صهیونیست‌ها چندین برابر پر قدرت‌تر از زمان جنگ ۶ روزه است، پس لابد انگشت اتهام را باید به سمت بال رسانه برد: بالی که می‌گفتند بی‌رقیب است.

این گلوله‌ای بود که در جنگ غزه که هیمنه و شکوهی را که مرداک با راه انداختن جریان غیراخلاقی رسانه‌ای خود به راه انداخته بود، در هم شکست. جنگ غزه در فضای رسانه یک جریان ۹۰ ساله را که با صرف کلی هزینه شکل گرفته بود، به شکلی تحقیرآمیز شکست داد.

حالا اما وقت آن است که رسانه‌های جهان اسلام در این مقطع بسیار بزرگ و با پیروزی دلچسبی که در جنگ غزه به دست آمده است، به درستی بزرگ‌ترین، پرنفوذترین و قدرتمندترین شبکه رسانه‌ای دنیا را بسازند.

کرده بود، پیش‌رفت، زیرا دولت چین محدودیت‌هایی برای فعالیت آن در نظر گرفت و نگذاشت این شبکه به بیشتر بخش‌های چین دسترسی یابد.

او که ۳ بار به عنوان تأثیرگذارترین فرد در جهان روی جلد تایم ۱۰۰ قرار گرفته است، سال ۲۰۱۷ در فهرست قدرتمندترین افراد جهان قرار گرفت که از سوی فوربس ارائه شد.

دونالد ترامپ نخستین رئیس‌جمهور آمریکا بود که مرداک توانست و او رابطه دوستی ایجاد کند. شبکه فاکس‌نیوز پشتیبانی زیادی از ترامپ در رقابت‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ و سپس دوره ریاست‌جمهوری‌اش داشت.

حالا دیگر شما هم تایید می‌کنید که نمی‌شود به سادگی این را رد کرد که مرداک بزرگ‌ترین شبکه رسانه‌ای دنیا را دارد اما نکته ماجرا اینجاست که مرداک با بهره‌بردن از عنوان بزرگ‌ترین، ۲ عنوان دیگر را بی‌سند و مدرک برای خود سند زد: پرنفوذترین و قدرتمندترین.

۲ عنوانی که در هر ماجرای سیاسی و اجتماعی و حتی جنگ‌ها و... از همان آغاز طرف مقابلش را مجاب می‌کرد به عنوان یک پیش‌فرض بدیهی، دست‌کم در حوزه رسانه، این تصور ذهنی را داشته باشد که قدرت مطلق با او است و باید دست‌های خود را بالا ببرد.

این پیش‌فرض ظاهراً بدیهی سال‌ها باعث شده بود در هر ماجرا و اتفاقی طرف مقابل او به جای تلاش برای پیروزی بر جبهه رسانه‌ای او صرفاً به دنبال دلایل عملی شدن این «پیش‌فرض بدیهی» بگردند؛ اینکه مثلاً جبهه رسانه‌ای او چون توانسته بود خبرها را به فلان شکل و در بهمان الگو منتشر کند، یکی از دلایل برتری جبهه او بوده است و...

مرداک هم اقتداری باهوش بود که در کنار یک عامل نسبتاً درست، همه چیز را طوری بچیند که ۱۰ آدرس غلط هم بدهد، تا طرف مقابلش بیش از پیش ضعیف شود و رسانه‌های تحت اختیارش به جای کمک، عامل نابودی او شوند.

حالا اما شاید برای نخستین بار است که خیلی‌ها فهمیدند این پیش‌فرض به ظاهر بدیهی نه، نه بدیهی است و نه درست. سال‌ها پیش رسانه‌های نزدیک به او در کنار نظامیان صهیونیست توانسته بودند به سادگی و در ۶ روز با استفاده از ابزار رسانه یک شکست خفت‌نابار را به تمام کشورهای عربی که با هم به مقابله با صهیونیست‌ها برخاسته بودند تحمیل کنند. فقط ۶ روز برای نظامیان صهیونیست کافی بود تا آن

خبرهای درگوشی گذاشت که مردم از چهره‌ها برای یکدیگر بازگو می‌کردند.

او با این روش و سووددهی روزنامه‌های قبلی‌ای که خریده بود، روزنامه‌های مهم دیگری مانند دامینین و دیلی تلگراف را خرید و روزنامه استرالیان را هم تاسیس کرد و همان سال با به کار بستن توان رسانه‌ای خود، زمینه پیروزی حزب کارگر استرالیا را در انتخابات فراهم کرد.

از آن پس با حمایت حزب کارگر استرالیا، نقطه هدف را به سمت رسانه‌های بریتانیا چرخاند. گروه رسانه‌ای میروز وابسته به آی‌بی‌سی مدیا را با سوءاستفاده از اختلاف درونی آنها خرید و به صورت روزنامه نیم‌قطع درآورد و با همان سیاست

ورزش و فرهنگ و تمرکز بر حاشیه‌های چهره‌ها و افزایش پاپولاریتی پیروزی، آن را به پرفروش‌ترین رسانه بریتانیا بدل کرد. حاصل ارتباط تنگاتنگ او با تاجر و تونی بلر منجر به تصمیم‌برخروجش برای ماشینی کردن بخش‌های غیرمحتوایی روزنامه‌ها شد. از آن پس با کمک دولت و سود حاصل از اخراج کارگران و کارکنان رسانه‌هایش، شبکه ماهواره‌ای اسکای تله‌ویژن را راه‌اندازی کرد. بعد به سراغ بی‌بی‌سی رفت و مدیون آن را راضی کرد تا اسکای تلویژن و بی‌بی‌سی یکی شوند. بر اثر این یکی‌سازی، رسانه‌ای با نام بی‌اسکای‌بی (BSkyB) به‌وجود آمد و این ارزش‌کث، غول رسانه‌های دنیا شد. در آمریکا روزنامه سن‌آنتونیو اکسپرس نیز، نشریه استار و نیویورک پست را خرید و بعد تملک ایستگاه‌های تلویزیونی را در دست گرفت. خرید شرکت هرالد اند ویکلی تایمز، شرکت فیلمسازی فاکس قرن بیستم و راه‌اندازی شبکه رسانه‌ای فاکس‌نیوز یکی از نقاط عطف در مسیر حرکت او بود.

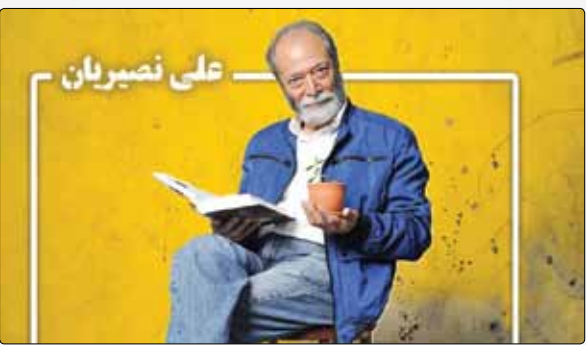
مرداک در فاکس تصمیم گرفت با تولید انیمیشن با شکل‌های دیگری از برنامه‌های تصویری، بینندگان را جادو کند و بعد اهداف و نیایش را به عنوان پیشگویی به خورد آنها بدهد؛ پیشگویی‌هایی که او را در جایگاهی فوق تصور قرار می‌داد. دستاویز او هم برای رسیدن به این هدف اثری مثل مجموعه ۶۶۶ قسمتی سیمپسون‌ها و پرورنده‌های ایکس بود. افزایش نفوذ در اروپا با خرید بیش از نصف سهام شرکت اسکای ایتالیا و در آسیا با خرید شرکت هنگ‌کنگ استار تی‌وی جلو رفت و اندکی بعد دفاتری برای آن در سراسر آسیا تاسیس کرد و از هنگ‌کنگ تا هند، چین، ژاپن و بیش از ۳۰ کشور دیگر آسیایی را زیر پوشش خود گرفت و بزرگ‌ترین شبکه ماهواره‌ای شرق شد.

امارنانه گسترش استار تی‌وی آنگونه که مرداک پیش‌بینی کرده بود، به بریتانیا رفت و در کنار درس خواندن ۲ سال با روزنامه انگلیسی دیلی اکسپرس همکاری کرد.

مرداک برای روزنامه‌هایش یک الگوی تازه را به وجود آورد. او به جای تمرکز بر مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که اتفاقاً همه رسانه‌ها فکر می‌کردند مهم‌ترین حوزه‌های مورد علاقه جامعه در آن مقطع هستند، سراغ پوشش بسیار زیاد بخش‌های ورزشی و فرهنگی رفت و در این ۲ بخش هم تمرکزش را بر گسترش شایعات و حاشیه‌ها و رسوایی‌ها و

به بهانه ۹۰ سالگی علی نصیریان، آخرین بازمانده از نسل طلایی سینما

بزرگی در سینما



در اواسط دهه ۶۰ نصیریان را به پول‌سازترین بازیگر سینما بدل کرد و این در حالی بود که این بازیگر همچنان در جشواره‌های فیلم فجر توفیقی کسب نکرده بود. سرانجام حضورش در ۲ فیلم «شیر سنگی» ساخته مسعود جعفری‌جوینوی و «خدا خورشید» به کارگردانی ناصر تقوایی برایش نامزدی جشنواره را به ارمغان آورد. اما دستش به سیمرخ نرسید. پس از حضور در آثار پرمخاطب، اواخر دهه ۶۰ نصیریان با بازی در فیلم «روز باشکوه» کورد بیشترین مخاطب را از آن خود کرد؛ فیلمی که به عنوان دومین فیلم پرمخاطب سال شناخته شد و به نوعی نصیریان را به یکی از چهره‌های مطرح و سرشناس یا به عبارتی سلبریتی سینما بدل کرد. هر چه این بازیگر در دهه ۶۰ بر کار و پرمخاطب بود، در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ تنها با ۱۰ فیلم یعنی در هر دهه ۵ فیلم در سینما حضور داشت؛ فیلم‌هایی که عمدتاً در گیشه هم موفقیتی نداشتند.

دهه ۹۰ اما یک اتفاق ویژه برای این بازیگر رقم خورد؛ اتفاقی که بیش از ۳ دهه به انتظارش نشسته بود و آن دریافت سیمرخ بلورین بهترین بازیگر مکمل برای

گروه فرهنگ و هنر: عزت‌الله انتظامی، داوود رشیدی، محمدعلی کشاورز، جمشید مشایخی و علی نصیریان بدون اغراق نسل طلایی سینمای ایران را تشکیل می‌دادند؛ هنرمندانی که هر کدام گنجینه‌ای از هنر بازیگری را به یادگار گذاشته‌اند و اغراق نیست اگر بگوییم هر یکصد سالی که از ورود سینما به ایران می‌گذرد، هنرمندانی در این سطح و عظمت در سینمای ایران وجود نداشته‌اند. در این بین، علی نصیریان تنها بازمانده آن نسل طلایی است؛ هنرمندی که در ۹۰ سالگی همچنان به حرفه‌ای‌ترین شکل ممکن فعالیت می‌کند و نامش رمزی برای موفقیت یک اثر سینمایی است؛ بازیگری که شروع فعالیت حرفه‌ای‌اش با بازی در فیلم «گلو» بود و به همراه خود موج نوینی از سینما را در کشور به وجود آورد.

«قای هالو»، «پستچی» و «دایره مینا» ۳ فیلم دیگری بود که نصیریان با دایر پوش مهرجویی همکاری کرد و به خاطر ایفای نقش در «قای هالو» به نخستین جوایز سینمایی‌اش دست یافت.

«ستارخان» علی حاتمی، «مهر گیاه» فریدون گله و «سرایدار» خسرو هریث‌ناش دیگر آثاری بودند که علی نصیریان در سینمای قبل از انقلاب در آنها هنرنمایی کرد. اما این بازیگر موفق‌ترین دوران کاری و حرفه‌ای خود را پس از پیروزی انقلاب به منصف ظهور گذاشت.

هنرنمایی در «کمال‌الملک» ساخته علی حاتمی را باید نخستین فیلم او پس از انقلاب نامید که با استقبال مخاطبان و تماشاگران روبه‌رو و همین اثر سرآغاز رکوردشکنی‌های نصیریان در آن سال‌ها در گیشه شد. کمدی «کفش‌های میرزاآرروز» ساخته محمد متوسلانی با بازی نصیریان و هنرنمایی محمدعلی کشاورز، سعید امیرسلیمانی، جمشید لایق، کاظم آفرندین، زهرا برومند، عزت‌الله رضانی، فر، محمد ورشوچی، رضا عبدی و... بدون کسب موفقیتی در جشنواره فیلم فجر آن سال توانست بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار مخاطب را روانه سالن‌های سینما کند و رتبه نهم جدول پرمخاطب‌ترین فیلم‌های سال را به دست آورد. از طرفی حضور در «جاده‌های سر» با یک میلیون تماشاگر و «دزد و نویسنده» با ۵۰۰ هزار مخاطب

